



است. اگرچه ونزوئلا هرگز نتوانست تورم تک رقمی داشته باشد، اما در این دوران تورم، ۱۶، ۱۳، ۱۸ و ۱۹ درصدی را تجربه می‌کند. بنابراین در دوران نیمه اول ریاست جمهوری چاوز کشور از رشد بسیار بالا و تورم متوسط برخوردار است.

علاوه بر این چاوز به سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی به نفع طبقات فقیر جامعه معتقد بود. براساس آمار بانک جهانی در این دوران جمعیت زیر خط فقر در ونزوئلا به شدت کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۰۴ حدود ۴۰ درصد جمعیت ونزوئلا زیر خط فقر است، اما در سال ۲۰۰۸ این عدد به زیر ۳۰ درصد می‌رسد. در سال ۲۰۱۰ این عدد به ۲۱ درصد می‌رسد یعنی نسبت به سال ۲۰۰۴ نصف می‌شود. در این دوران رتبه جهانی ونزوئلا در توسعه انسانی جا به جا شده و به کشوری با توسعه انسانی بالا تبدیل می‌شود.

■ **سیاست‌های اقتصادی دوران چاوز**
متلاً سیاست‌های مالیاتی، یارانه‌ای و ارزی در این دوران چگونه مدیریت می‌شد؟

رشد اقتصاد ونزوئلا در دوران هوگو چاوز

با ریاست جمهوری چاوز که مصادف با سال ۲۰۰۰ است، تورم کاهش می‌یابد و شرایط بهتری در ونزوئلا ایجاد می‌شود. اما صنعت نفت اعتصاب می‌کند و حتی علی‌به چاوز کودتای می‌شود. به همین دلیل مجدداً اقتصاد ونزوئلا دچار مشکل می‌شود و در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اقتصاد با نرخ‌های رشد منفی مواجه می‌شود و تورم هم به بالای ۲۰ درصد می‌رسد. اما از سال ۲۰۰۴ به بعد ونزوئلا رشد اقتصادی بالایی را تجربه می‌کند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۴ براساس آمار بانک جهانی ونزوئلا شاهد نرخ رشد ۱۸٫۳ درصدی می‌شود. البته یکی از دلایل آن پایان اعتصابات نفتی و افزایش تولید نفت است. اما این نرخ رشد در سال‌های بعد هم ادامه می‌یابد و در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به ترتیب نرخ‌های رشد ۱۰٫۳، ۸٫۹، ۸٫۹ و ۵٫۳ درصدی را تجربه می‌کند به طوری که نرخ رشد متوسط ونزوئلا طی این سال‌ها حدود ۸٫۹ درصد بوده‌است که نرخ رشد بسیار بالایی است. تورم نیز در این سال‌ها تقریباً کنترل شده‌است. اگرچه ونزوئلا هرگز نتوانست تورم تک رقمی داشته باشد، اما در این دوران تورم، ۱۶، ۱۳، ۱۸ و ۱۹ درصدی را تجربه می‌کند. بنابراین در دوران نیمه اول ریاست جمهوری چاوز کشور از رشد بسیار بالا و تورم متوسط برخوردار است.

بود که بتواند نظام تک نرخ‌ی ارزی را ایجاد کند.

■ **یادام هست در خصوص یارانه‌های انرژی سفری به ونزوئلا داشتید. می‌توانید در این خصوص و چالش‌های این حوزه در دوران چاوز توضیحات بیشتری ارائه کنید.**

بله، در سال ۸۹ همراه با آقای علی اکبر محرابیان وزیر وقت صنعت و معدن که ریاست هیأت مشترک ایران و ونزوئلا را بر عهده داشت و دونفر از همکارانم در معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد سفری به این کشور داشتم. هدف از سفر ما بررسی زمینه‌های اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در این کشور بود. در آن سال با ورود به ونزوئلا براحتی می‌شد فقر در برخی از مناطق شهر کاراکاس را مشاهده کرد. از طرف دیگر ناامنی در کشور نیز بسیار مشهود بود. برای مثال کسی جرأت نمی‌کرد با پول به خیابان برود، چون احتمال دزدیده شدن آن بسیار بالا بود. جلسه‌ای با آقای زامیرز که در آن سال وزیر نفت ونزوئلا بود داشتم. جلسه دیگری هم با معاونان او داشتم و سپس جلساتی با رئیس بانک مرکزی و رئیس مرکز آمار ونزوئلا داشتم. آنها از اصلاح قیمت بنزین در دهه ۸۰ میلادی در ونزوئلا تجربه بسیار بدی داشتند. آن اتفاق منجر به شورش‌های خیابانی و کشته شدن تعداد زیادی از مردم ونزوئلا شده بود. قیمت انرژی در ونزوئلا بسیار ارزان بود و یکی از ارزان‌ترین کشورهای جهان در این زمینه به شمار می‌رفت. در آن سال حدود ۲۵ درصد درآمد دولت به یارانه انرژی اختصاص داشت. این باعث شده بود بسیاری از بنزین ونزوئلا به بولیوی و حتی آمریکا قاچاق شود. البته به دلیل درآمد بالایی که آنها از فروش نفت داشتند، هنوز ضرورت این کار را حس نکرده بودند. در صحبت‌هایم با مسئولان اقتصادی ونزوئلا متوجه شدم، همه آنها علاقه‌مند به انجام این کار هستند، اما از عواقب سیاسی و اجتماعی آن هراس دارند. ضمن اینکه مشکلاتی نیز برای اجرای این کار داشتند. به‌عنوان مثال هنوز از یک نظام خرده‌فروشی بنزین منسجم مثل ایران برخوردار نبودند، لذا ما پیشنهاد کارت سوخت و شناسایی میزان مصرف بنزین در نقاط مختلف کشور را داشتیم. از طرف دیگر گستردگی شعب بانکی در تمام روستاها و شهرها که در ایران موجود است در ونزوئلا وجود نداشت.

■ **در این خصوص با خود چاوز هم جلسه‌ای داشتید؟ اگر داشتید در آن جلسه چه موضوعاتی بحث شد؟**
بله، چاوز هیأت ایرانی را به حضور در جلسه دولت دعوت کرد و جلسات در ساختمان ریاست جمهوری برگزار می‌شد. به یاد دارم آن بخش باران شدیدی باریده بود و در بخش‌های از کاراکاس سیل آمده بود. چاوز در کاخ ریاست جمهوری را به روی مردم باز کرده بود و از سیل‌زده‌ها می‌خواست تا وارد کاخ شوند، خودش هم بر اسکان آنها در کاخ نظارت می‌کرد. ابتدای جلسه هیأت دولت به افتتاح ساختمان‌هایی مشابه مسکن مهر که توسط شرکت‌های خصوصی ایرانی ساخته شده بود، اختصاص داشت و این مراسم به‌صورت زنده از تلویزیون ونزوئلا پخش می‌شد. چاوز خیلی از ساخت این خانه‌ها ابراز خوشحالی می‌کرد. در آن سال‌ها علاوه بر شرکت‌های ساختمانی ایرانی، شرکت ایران خودرو و یک کارخانه سیمان ایران نیز در ونزوئلا فعال بودند و چاوز به از بنگاه‌های ایرانی حمایت زیادی داشت؛ حمایتی که شامل حال شرکت‌های دیگر کشورها نبود. مسأله افتتاح پروژه‌ها وقت زیادی از هیأت دولت را به خودش اختصاص داد. چاوز در اواسط

جلسه که به نیمه‌شب هم کشیده شده بود برای دقایقی از جلسه بیرون رفت و بعد از چند دقیقه برگشت. هیأت ایرانی به وقت ورود مجدد او به داخل جلسه به رسم ایرانی‌ها جلوی پای او بلند شدند، اما اعضای دولت ونزوئلا هیچ کدام جلوی پای وی بلند نشدند. چاوز نگاهی به اعضای هیأت دولت ونزوئلا کرد و گفت: «ببینید که ایرانی‌ها به رسم احترام جلوی پای من بلند شدند اما شما نشسته‌اید، اگر شما رئیس جمهور بودید، من در مقابل شما تعظیم می‌کردم.» این جمله را گفت و مانند یک فرمانده نظامی شروع کرد به اعضای هیأت دولت دستور بشین پاشو دادن و اعضای دولتش را مجبور کرد جلوی ما چندین بار این فرمان را اجرا کنند. در آن جلسه فرصت طرح موضوعات یارانه‌ها ایجاد نشد.

ما بسیار امیدوار بودیم که بعد از آن جلسه با چاوز جلسه جداگانه‌ای داشته باشیم اما جلسه خصوصی به دلیل بیماری وی به زمان دیگری موکول شد که متأسفانه برگزارای این جلسه بعداً نیز میسر نشد. زمان گذشت و حدود ۳ سال بعد که من دیگر مسئولیتی هم در این زمینه نداشتم از سفارت ونزوئلا با من تماس گرفتند و خواستند یک بار دیگر تجربه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در ایران را در اختیار آنها بگذارم. این درخواست زمانی بود که بولیوار شدیداً کاهش ارزش پیدا کرده بود و مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش شدید ارزش پول شروع شده بود و کشور ونزوئلا در شرایطی بود که اگر حامل‌های انرژی را هزار برابر هم گران می‌کردند بازهم عدد قابل توجهی نمی‌شد. بهترین فرصت برای این کار همان سال ۲۰۱۰ یا حتی قبل از آن بود که متأسفانه آن را از دست داده بودند.

■ **در صورت سیاست‌های چاوز نتوانست جلوی مشکلات بعدی ونزوئلا را بگیرد. به طوری که در حال حاضر این کشور از اقتصاد و سیاست از هم گسیخته‌ای برخوردار است. فکرمی‌کنید ریشه اصلی مشکلات آنها چیست؟**

بزرگترین مشکل ونزوئلا وابستگی بسیار بالای اقتصاد آن به نفت است. به قول کروگر اکثر کشورها شبیه چیزی می‌شوند که آن را صادر می‌کنند. اقتصاد ونزوئلا شبیه نفت است، «پرنوسان و غیرقابل پیش‌بینی». نفت با هر تکانه‌ای اقتصاد این کشور را به لرزه در می‌آورد. چاوز تلاش نکرد که این وابستگی را کاهش دهد. البته

این مشکل میراث بجا مانده برای وی بود. اگرچه او تلاش‌هایی برای رفع این وابستگی کرد و مثلاً در دوران او صندوقی برای واریز درآمد‌های نفتی ایجاد شد اما این تلاش‌ها کافی نبود و منابع مطمئنی برای دوران رکود قیمت نفت به آن صندوق واریز نشد. یکی از بزرگترین مشکلات زمان وی که همچنان نیز پابرجاست، نظام سیاسی شکننده و چندپارگی حکومت در این کشور است. بسیاری از سیاست‌هایی که چاوز در آن دوران اتخاذ کرد، ناشی از اختلاف سیاسی بین دولت وی و بدنه‌ای بود که اقتصاد ونزوئلا در اختیار آنها بود. چاوز معتقد بود آنها به دلیل ارتباط با آمریکا قصد اخلاص در اقتصاد ونزوئلا را دارند، بنابراین تمام تلاش خود را متمرکز بر سلب مالکیت آنها از مراکز و بنگاه‌های اقتصادی کرد و شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را از آنها خرید و به مدیران دولتی واگذار کرد؛ فرایندی که البته بسیار فسادانگیز و پرچالش بود. مشکل دیگر ونزوئلا عدم توافق بر سیاست‌ها و نظام غیردموکراتیک این کشور است. در دوران چاوز عموم سیاست‌ها مبتنی بر شخصیت فردی و کاریزماتیک چاوز بود. البته در دوران کالدرا نیز چنین وضعیتی وجود داشت. اما مسأله بسیار مهمی که در مورد ونزوئلا اصلاً نباید فراموش

تاریخ شفاهی

مشکل وابستگی اقتصاد ونزوئلا به نفت

بزرگترین مشکل ونزوئلا وابستگی بسیار بالای اقتصاد آن به نفت است. به قول کروگر اکثر کشورها شبیه چیزی می‌شوند که آن را صادر می‌کنند. اقتصاد ونزوئلا شبیه نفت است، «پرنوسان و غیرقابل پیش‌بینی». نفت با هر تکانه‌ای اقتصاد این کشور را به لرزه در می‌آورد. چاوز تلاش نکرد که این وابستگی را کاهش دهد. البته این مشکل میراث بجا مانده برای وی بود. اگرچه او تلاش‌هایی برای رفع این وابستگی کرد و مثلاً در دوران او صندوقی برای واریز درآمد‌های نفتی ایجاد شد اما این تلاش‌ها کافی نبود و منابع مطمئنی برای دوران رکود قیمت نفت به آن صندوق واریز نشد. یکی از بزرگترین مشکلات زمان وی که همچنان نیز پابرجاست، نظام سیاسی شکننده و چندپارگی حکومت در این کشور است. بسیاری از سیاست‌هایی که چاوز در آن دوران اتخاذ کرد ناشی از اختلاف سیاسی بین دولت وی و بدنه‌ای بود که اقتصاد ونزوئلا در اختیار آنها بود. چاوز معتقد بود آنها به دلیل ارتباط با آمریکا قصد اخلاص در اقتصاد ونزوئلا را دارند، بنابراین تمام تلاش خود را متمرکز بر سلب مالکیت آنها از مراکز و بنگاه‌های اقتصادی کرد و شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را از آنها خرید و به مدیران دولتی واگذار کرد؛ فرایندی که البته بسیار فسادانگیز و پرچالش بود. مشکل دیگر ونزوئلا عدم توافق بر سرسیاست‌ها و نظام غیر دموکراتیک این کشور است. در دوران چاوز عموم سیاست‌ها مبتنی بر شخصیت فردی و کاریزماتیک چاوز بود. البته در دوران کالدرا نیز چنین وضعیتی وجود داشت. اما مسأله بسیار مهمی که در مورد ونزوئلا اصلاً نباید فراموش شود، مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آشکار امریکا در این کشور است. آمریکا عملاً در اقتصاد ونزوئلا اخلاص ایجاد می‌کند و هرگز هم این موضوع را کتمان نمی‌کند.

شود، مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آشکار امریکا در این کشور است. آمریکا عملاً در اقتصاد ونزوئلا اخلاص ایجاد می‌کند و هرگز هم این موضوع را کتمان نمی‌کند. امریکایی‌ها همیشه صراحتاً عنوان کرده‌اند که از مخالفان دولت ونزوئلا حمایت و آنها را تأمین مالی می‌کنند. امریکایی‌ها نمی‌توانند وجود کشوری در قاره آمریکا که با آنها مخالفت می‌کند را تحمل کنند. از طرفی به هر حال چاوز در دوران خودش پرچمدار مخالفت با امریکا در قاره آمریکا بود. این تقابل با امریکا و البته با گروه‌های داخلی که طرفداران امریکا هستند، باعث درهم شکنندگی سیاسی ونزوئلا شده است. از طرفی نبود ساختار حکمرانی یکپارچه نیز باعث تشدید این مشکلات در سال‌های گذشته شده است.

■ **آقای دکتر اجازه بدهید به سؤال اصلی برگردیم. آیا امکان ونزوئلا شدن ایران هست؟ چه شباهت‌هایی بین این دو اقتصاد و به طور کلی بین این دو کشور وجود دارد؟**
منظور از ونزوئلا شدن، درهم گسیختگی سیاسی و اقتصادی است. بدیهی است در عالم نظریه هر کشوری می‌تواند مانند ونزوئلا شود. همان‌طور که زمانی آلمان به شرایطی بدتر از ونزوئلای امروز دچار شد. اما درعمل برای پاسخ به سؤال شما باید تجربه طی شده دو کشور و نوع سیاست‌های اقتصادی و ساختار حکمرانی دو کشور را با هم مقایسه کرد. اول اینکه ساختار حکمرانی ایران به گونه‌ای است که اجازه شکنندگی سیاسی موجود در ونزوئلا را نمی‌دهد. بنابراین فضای دوقطبی موجود در ونزوئلا تا زمانی که اقتدار سیاسی موجود در کشورمان هست نمی‌تواند به وجود آید. بنابراین قبل از هرگونه تحلیل اقتصادی موضوع حکمرانی و سیاست اهمیت دارد. اگر انگلستان نیز درهم شکنندگی موجود سیاسی‌اش به دلیل ورود به تحادیه اروپا تمدام یابد و نتواند اختلافات را حل کند می‌تواند دچار مشکلاتی شبیه ونزوئلا شود. بنابراین در گام اول باید توجه داشت توافق و مصالحه در سیاست داخلی بسیار اهمیت دارد. اما وابستگی به نفت موضوعی است که بسیار تشدیدکننده مقایسه شرایط ایران با ونزوئلا شده است؛ یعنی اینکه هر دو کشور به نفت وابسته‌اند و رکود قیمت نفت می‌تواند هر دو را به سرنوشت مشابهی دچار کند در این باره می‌توان گفت اول اینکه وابستگی ما به نفت بسیار کمتر از ونزوئلا است. هم وابستگی ما و هم وابستگی صادرات و هم وابستگی درآمد دولت به نفت در ایران بسیار کمتر از ونزوئلا است. در حال حاضر در بین کشورهای نفتی خاورمیانه ما کمترین وابستگی به نفت را داریم. سهم نفت در GDP عراق حدود ۶۰ درصد و در عربستان حدود ۳۰ درصد و در ایران کمتر از ۱۵ درصد است. صادرات غیرنفتی ما



به طور کلی از سال ۱۹۲۰ میلادی یعنی حدود یکصد سال پیش که نفت در ونزوئلا استخراج شد، نفت همواره نقش اساسی در

اقتصاد و سیاست این کشور داشته است. ونزوئلا در دهه ۱۹۵۰ جزو کشورهای مرفه آمریکای جنوبی و دنیا بوده است. به طوری که در دهه ۱۹۵۰ درآمد سرانه ونزوئلا با درآمد سرانه آلمان برابری می‌کرد